

سفرنامه مکه مکرمه

«با بررسی چند سفرنامه به این سوال پاسخ داده‌ایم که حج و رسیدن به کعبه در این ۱۴۰۰ سال چه تغییراتی کرده است.» ...



«با بررسی چند سفرنامه به این سوال پاسخ داده ایم که حج و رسیدن به کعبه در این ۱۴۰۰ سال چه تغییراتی کرده است.»

به گزارش ایسنا، روزنامه جام جم نوشت: «هیبت بوئینگ ۷۴۷-۳۰۰ چند برابر هواپیماهایی است که مسافر خطوط هوایی داخلی ایران در سفرهایش دیده است. برای همین هم است که مسافران حجاجی که با خطوط هوایی خارجی سفر نکرده اند وقتی پرواز با خطوط هوایی سعودی گیرشان می آید از هیبت هواپیما شگفت زده می شوند. این تازه اول شگفتی پیرمرد و پیرزن هایی است که قرآن و مفاتیح شان را در کیف گذاشته اند و عازم سفر عمره یا حج اند. مفهوم «مستطیع» در فقه ما یک چیز است و در عرف ما چیزی دیگر. شاید بشود مستطیع را کسی تعریف کرد که پولش از پارو بالا می رود و بین سفر دور اروپا یک ماه هم راهش می افتد به صحرای عرفات. زن و مرد سالخورده ای که کارخانه شان را سپرده اند به بچه های خلف شان و حالا سالی چند بار به مهمان دارهای خارجی جواب می دهند که میان وعده چه می خورند. اما پیرمرد و پیرزن بازنشسته ای که حقوق بازنشستگی شان به زور کفاف نان شب شان را می دهد و همه عمر آرزو داشته اند خانه خدا را زیارت کنند، هر طور شده تمام دسترنج چند ده ساله شان را پول می کنند و خودشان را مستطیع جا می زنند که مسافر سرزمین وحی شوند. پیرمرد و پیرزنی که در جواب خانم اهل آسیای شرقی که مهماندار هواپیمایی سعودی است و می پرسد: «میت اور چیکن؟» نمی دانند چه بگویند. بوئینگ ۳۰۰-۷۴۷ با آن نیم طبقه فرست کلاس و مانیتورهای بزرگ نمای بیرون هواپیمایش جمع اعداد است. جمع «میت اور چیکن» و «سلامتی آقای راننده صلوات!». تفاوت هایی که فقط در سفر حج به چشم می خورد. سفری حدودا دو ساعت و نیمه از تهران تا مدینه یا جده. حالا دیگر همه چیز فرق کرده است. حالا حاجی ایرانی می تواند نماز ظهر را در مسجد محله شان بخواند و نماز مغرب را در مسجدالنبی. اتفاقی تا همین صد سال پیش بیشتر به رویا شبیه بود. وقتی امام معصوم در حدیثی از وضعیت آخرالزمان می گوید در آخرالزمان زن ها به تنهایی بین کشورها سفر می کنند و اصحاب از این ماجرا سخت متعجب می شدند، حتما کسی نمی توانست تصور کند که فاصله هوایی تهران تا مدینه تنها دو ساعت و سی دقیقه است. سفرنامه ها همیشه راویان موثق تری از زندگی نامه ها یا داستان ها هستند. از این رو، سفرنامه های حج نیز اطلاعات دقیقی از کم و کیف این سفر در سال های مختلف به ما می دهند. در این گزارش به بررسی چند سفر حج و مسیر طی شده حاجی ها در بازه های تاریخی مختلف پرداخته ایم. بخش گسترده و مهمی از این گزارش حاصل گفت وگو با سهیل کریمی مستندساز، روزنامه نگار و پژوهشگر است.

حج، مبدأ تاریخ عاشقان

بنای تقویم هجری قمری همان طور که از اسمش پیداست بر هجرت است و سفر مکه به مدینه رسول خدا. با این حساب اگر بنا بود برای عشق و آزادگی تقویمی بسازند باید مبدأ آن را سفر حج سال ۶۰ هجری می گذاشتند؛ سفر حجاجی که سفرنامه اش را راویانی نوشته اند که بعدها اسم شان شد راویان مقتل. همین که یک انتهای داستان یک سفرنامه طوری جمع می شود که اسم سفرنامه می شود مقتل، می شود فهمید که این سفر یک سفر عادی نیست. سال ۶۰ هجری اگر روزنامه ها منتشر می شدند قطعا خبر درگذشت معاویه بن ابی سفیان مهم ترین تیتراژ سال بود.

پسر فاسقش نامه نوشته بود به حاکم مدینه و خود را خلیفه بعدی خوانده بود و سپرده بود از حسین پسر علی (ع) برایش بیعت بگیرد. یک بیعت علنی و در حضور مردم. اولین نقل قول های مخالف که از بیت حسین بن علی (ع) به کاخ مدینه رسید و از آن جا به کاخ دمشق مرسله شد، از شام نامه رسید که یا از حسین بیعت بگیر یا او را بکش! تاریخ می نویسد که اگر حسین در مدینه به شهادت می رسید، شاید شهادتش در زمانه خودش سر و صدایی نمی کرد و پایه های حکومت بنی امیه با قوت پا بر جا می ماند اما وقتی نیروهای حاکم مدینه سراغ بیت امام رفتند، او با همه خاندان بار سفر بسته و رفته بود. کجا؟ سفر حج. راویانی که این سفرنامه را نوشته اند، شهادت می دهند که این سفر حج صرفا یک سفر معنوی و زیارتی نبود. اولین تفاوت همین که کاروان به جای ذی حجه، شعبان به مکه رسیده بود.

تفاوت بعدی این که راویان نوشته اند برادر امام در مکه او را نصیحت کرد که اگر می خواهی از گماشته های یزید در امان بمانی از همین جا به یمن سفر کن. در کوهستان های یمن و در حفاظ شیعیان استوار آنجا در امان خواهی بود اما امام نپذیرفت و به سفرنامه نامه نگاران فهماند که این سفر یک اعتراض است، یک قیام علیه ظلم. تفاوت آشکار دیگری که این سفر با سفرهای حج معمولی داشت ناتمام ماندن طواف بود. امام طواف را در دور چهارم نیمه کاره رها کردند و رفتند که قبله دیگری برای عاشقان

«به جوزجانان شدم و پیوسته شراب خوردمی... شبی در خواب دیدم که یکی مرا گفت: چند خواهی خوردن از این شراب که خرد از مردم زایل کند؟ اگر به هوش باشی بهتر. چیزی باید طلبید که خرد و هوش را بیفزاید... گفتم که من این از کجا آرم؟... گفت جوینده یابنده باشد... و پس به سوی قبله اشارت کرد و دیگر سخن نگفت.»

این جملات از ناصر خسرو قبادیانی در سفرنامه حجش روایت شده است. ناصر خسرو در روایت سفر حج می نویسد که ۴۰ سال در بسیاری از علوم غور کرده ولی اهل معنویت نبوده و شرابخواری می کرده است. در ۴۰ سالگی مقام درخوری به او پیشنهاد می شود و در پی آن به شهر مرو می رود و در آنجا مشغول می شود. این خواب که روایت کرده را در مرو می بیند و به گفته خودش، فردایش با خود می گوید: «از خواب دوشین برخاستی، وقت است که از خواب ۴۰ ساله هم برخیزی...» و همه چیز را رها می کند و همراه غلامش راهی سفر حق می شود؛ سفری که نزدیک به هفت سال طول می کشد.

مسیری که ناصر خسرو در این سفر پیش می گیرد جالب است. او مسیر مصر را انتخاب می کند و در مصر هم با علمای مختلفی دیدار می کند که ایده بعضی کتاب هایش هم از این مباحثات شکل می گیرد.

سفر ناصر خسرو که در تاریخ ۲۳ شعبان سال ۴۲۷ هجری از شهر مرو شروع می شود، در تاریخ ۲۶ جمادی الآخر سال ۴۴۴ هجری در شهر بلخ به پایان می رسد.

مسیر هفت ساله ای که مسیر ۴۰ ساله زندگی ناصر خسرو را تغییر داد و او را از مدح کسان و ثنای شاهان گفتن به نوشتن «زادالمسافرین» کشاند.

خانم جان در مکه ماند

حدود ۱۲۰ سال پیش مسیر رفتن به حج از ایران از دوران ناصر خسرو بسیار ساده تر بوده اما باز هم به سادگی سفر ۲ ساعت و ۳۰ دقیقه ای الان نبوده است. روایت عالییه خانم شیرازی از سفر حج در دوران قاجار سفرنامه ای بسیار جذاب و خواندنی است که نشر اطراف آن را در قالب کتاب «چادر کردیم رفتم تماشا» منتشر کرده است. عالییه خانم ملازم خانم جان از زنان با اصل و نسب قاجاری در کرمان بوده که به همراه خان (که او هم از بزرگان کرمان بوده) و جمعی از اطرافیان راهی سفر حج می شوند. چند نکته در این سفرنامه مهم به نظر می رسد. اول این که از اکراه اولیه عالییه خانم در همراه شدن در این سفر و خداحافظی و طلب حلالیت آنان از اقوام و خویشان، این طور به نظر می رسد که در آن روزگار اگر کسی عزم سفر حج می کرد، گوشه ای از ذهنش به این هم فکر می کرد که احتمالاً این سفر بی بازگشت باشد و دیگر هیچ وقت روی وطن را نبیند. بیم مرگ در مسیر همیشه همراه مسافران بوده که بیجا هم نبوده است. طولانی بودن مدت سفر، وجود دزد و راهزن، ناامن بودن وسایل دریانوردی و دیگر مسائل دست به دست هم می دادند تا به مسافر القا کنند این سفر همان سفر آخرت است. اصلاً انگار برای همین هم بوده که آن مثل معروف بین ما ایرانی ها جا افتاده که «کسی که حجش قبول بشود، زنده نمی ماند!»

مسیر سفر کاروان عالییه خانم شیرازی برای مخاطب امروز که می تواند بلیت هواپیما را اینترنتی رزرو کند کمی دور از ذهن به نظر می رسد. کاروان حج از کرمان حرکت می کند و در ساحل خلیج فارس سوار کشتی می شود به مقصد هند. کشتی در ساحل بمبئی پهلو می گیرد و در بمبئی حجاج ایرانی با حجاج هندی یکی می شوند و با هم سفر دریایی طولانی مدتی را شروع می کنند به مقصد جنوب یمن و جایی نزدیک به باب المندب. بعد از این سفر طول و دراز، وقتی کاروان به یمن می رسد تازه به قول امروزی های وقت پاسپورت چکینگ است! تمام کاروان در جایی نزدیکی یمن قرنطینه می شوند. در این روزها که دنیا درگیر بیماری کرونا است و دستورالعمل سفر به کشورهای دیگر ایجاب می کند، مسافر دو هفته در کشور مقصد قرنطینه باشد، بیشتر این تکه از سفرنامه را درک می کنیم اما قرنطینه کاروان حجاج در یمن اصلاً شبیه به قرنطینه در هتل های مجهز به کولر گازی نبوده است. عالییه خانم از اتراق در چادرهای بدون امکانات در گرمای بیابان یمن چنان روایت می کند که حس کلافگی و معطلی خواننده را می گیرد. نکته مهم دیگری که در این سفرنامه به چشم می خورد این است که گویا سختی سفر و حوادثی که در مسیر رخ می دهد آن قدر پررنگ است که خود زیارت را تحت الشعاع قرار می دهد؛ طوری که در مواجهه اول با خانه خدا نویسنده به وصف این که در مسجدالحرام نماز گزارده اند کفایت کرده و می گوید ان شاء... خدا قسمت همه بکند! آن قدر که در فراق خانم جان نوحه می کند و می نویسد، از زیارت نمی گوید. خانم جان! در مکه فوت می کند و همان جا هم دفن می شود. کاروان حجاج پس از انجام حج از مسیر عتبات برمی گردند و پس از یک سال و چند ماه دوباره به کرمان می رسند.

تخت گاز تا مکه

سفر حج از طریق مسیر زمینی و با وسایل نقلیه جاده ای، پیش از انقلاب در ایران رواج داشت.

در روزهایی که سفر به عراق و عتبات به صورت قاچاقی انجام می شد، با وجود خطرات زیادی که کشور عراق و این مسیر داشت، مردمی که به زیارت کربلا و نجف می رفتند دیگر یقین داشتند حالا که تا این جا را توانسته اند بیایند حتما تا مکه هم می توانند بروند و این یقین پر بی راه نبود.

مسیر زمینی سفر به مکه را در سفرنامه جلال آل احمد هم می بینیم. با تکیه بر نفوذ برادرش در بین علمای عربستان، با ماشین راه می افتند سمت عراق و عربستان. مسیر سفر جلال آل احمد بسیار ساده تر از مسیر سفر عالییه خانم شیرازی طی شد و بیش از چند ماه طول نکشید. نتیجه این سفر کتاب سفرنامه جلال آل احمد به نام خسی در میقات بود.»